

خانه‌داری ارزش فراموش شده؛ با نگاهی به بیانات رهبر معظم انقلاب

سیما آل محمد*

سنا خلف حیاوی**

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۱۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۸

چکیده

خانه‌داری در یک شرایط طبیعی، اولین و طبیعی‌ترین انتخاب یک زن است که می‌توان با دلایل متقن از آن دفاع کرد. متأسفانه در حال حاضر این نقش جایگاه ارزشمند خود را در اذهان بسیاری از مردان و زنان جامعه ایرانی از دست داده است. هرچند طبق آمار، همچنان درصد زیادی از زنان جامعه ما خانه‌دار هستند؛ اما تضعیف و تحقیر خانه‌داری در بلندمدت می‌تواند صدمات جبران‌ناپذیری بر نهاد خانواده بگذارد. جبری که در فضای جامعه حکم فرماست و زنان را برای کسب و جاهت و مقبولیت، به خارج از خانه فرامی‌خواند، احساس عدم امنیت و مفید نبودن به زنان خانه‌دار می‌دهد. در این مقاله، به بازخوانی دلایل ارزش خانه‌داری به عنوان یک فضیلت فراموش شده پرداختیم؛ لذا ابتدا علل انتخاب خانه‌داری را شرح داده و در ادامه نگاهی به اثرات منفی عدم ارزش‌گذاری بر این نقش و تجربه سایر جوامع انداخته و راهکارهایی برای احیای خانه‌داری ارائه شده است. این مقاله، با

* دانش‌آموخته مدرسه علمیه الزهراء (ع) اهواز simaalemohamad3011@gmail.com

** دانش‌پژوه سطح چهار / فقه خانواده / مدرسه تخصصی معصومیه (ع) / قم

aljbarynyazahra18@gmail.com

روش تحلیلی و اسنادی، این موضوع را از منظر رهبر فرزانه انقلاب بررسی می‌کند. خانه‌داری در این مقاله، در مقابل تعریف امروزی از شغل؛ یعنی کار با ساعات معین و در مقابل حقوقی معین قرار گرفته است.

کلیدواژه‌ها: خانه‌داری، زنان خانه‌دار، خانه‌داری، فضیلت فراموش شده، رهبر معظم انقلاب





مقدمه

«یکی از مهم‌ترین وظایف زن، خانه‌داری است... خانه‌داری یک شغل است؛ شغل بزرگ، شغل مهم، شغل حسّاس، شغل آینده‌ساز.» (بیانات رهبری، ۱۳۹۲/۰۲/۱۱). «خانه‌داری به وظایفی گفته می‌شود که در پی نقش‌های مادری و همسری زن به عهده اوست. درواقع خانه‌داری، به نقش‌های محول برزن، در درون خانواده و وظایف مترتب براین نقش‌ها اطلاق می‌شود» (کریمی، میرزادرائی، ۱۳۹۷، ص ۸۶). شاید بتوان گفت: خانه‌داری نقشی است که زنان در تمام جوامع و در تمام طول تاریخ همواره به آن اشتغال داشته‌اند: «به طور تقریبی در تمام جوامع، زنان در درجه اول مسئول خانه‌داری و تربیت فرزند هستند. این تصور، چنان نافذ و از زمره امور بدیهی به شمار می‌آید که به ندرت مورد تردید و اعتراض قرار می‌گیرد» (قرباغی، ملکوتی نیا، ج ۲۲۹، صص ۳۷-۲۸). به اعتقاد برخی جامعه‌شناسان خانواده، خانه‌داری در ایران و جهان، آن قدر مهم بود که قرن‌های طولانی، زنان با هویت خانه‌داری در کنار شوهرداری و فرزندآوری تعریف می‌شدند. خانه‌داری در طول دوره‌های مختلف زندگی بشری، امری ارزشمند و مایه افتخار تلقی شده است» (همان).

خانه‌داری نقشی به بلندای تاریخ زندگی بشری است، اما در قرون اخیر و به دنبال پیدایش مکاتب عمدتاً مادی، اقتصادمحور و البته فردگرا، که داعیه‌دار ساخت بهشتی زمینی برای انسان و نجات او از ظلم و رنج بودند، نقش محوری زنان در خانه در سراسر دنیا، دچار تزلزل و دگرگونی‌هایی شد. تحوّل‌ی که در ابتدا امید می‌رفت به بهبود زندگی انسان و علی‌الخصوص زنان منجر شود؛ اما در عمل



به تباهی زن و خانواده انجامید. روایت این قصه پرغصه در قلم نویسندگان و اندیشمندان حقیقت بسی دردناک است. فریبا عباسوند در کتاب «خانه‌های اعیانی» می‌نویسد: «نارضایتی زنان خانه‌دار از موقعیت خود باعث می‌شود نتوانند از فرصت‌های موجود در این موقعیت‌ها استفاده کنند» (عباسوند، ۱۳۹۹، ص ۱۰۷). ناگفته پیداست این موضوع، خانه‌داری را تهدید کرده و احتمال انتخاب این گزینه توسط زنان و دختران را محدودتر می‌کند. در حالی که ما برای ارجح بودن خانه‌داری در شرایط طبیعی زندگی خانوادگی؛ یعنی وجود سرپرست، دلایل متقن و قابل دفاعی داریم؛ دلایلی از جمله تطابق خانه‌داری با فطرت زنانه، جایگاه خانه‌داری در دین اسلام و نگاه بزرگان دینی به آن، تربیت فرزند و اهمیت آن که به نظر می‌آید در سایه خانه‌داری بهتر به آن پرداخته می‌شود این مقاله تلاش دارد باتوجه به اهمیت مسئله، ارزش خانه‌داری را بازخوانی کند.

خانه‌داری فطری‌ترین کار

به نظر می‌رسد، خانه‌داری برای بانوان در خانه، امری مقتضای فطرت آنان است.

طبیعی‌ترین و فطری‌ترین و مطلوب‌ترین کار برای زنان، کار در خانه است؛ یعنی مسئله اداره کردن همسر و فرزندان، طبیعی‌ترین کار است و من خیال نمی‌کنم زنی طبیعی باشد و به این کار عشق و علاقه نداشته باشد. به طور قهری، همه زنان به این کار عشق و علاقه دارند (بیانات رهبری، ۱۳۷۲/۰۹/۰۸).

دکتر تونی گرانٹ در کتاب خود با عنوان «زن بودن» می‌نویسد:

زن امروزی زنی بدلی است، با مردان حقیقی در جنگ است و به همین علت آشفته و ناآرام است. جنبش فمینیستی.... به زنان وعده‌های هیجان‌انگیز و اغواکننده‌ای را بشارت داد. این وعده‌ها آن قدر خوب به نظر می‌رسیدند که بسیاری از زنان، شوهران و فرزندان‌شان را ترک کردند و یا در پی دستیابی به حرفه یا علایق شخصی خود فکرازدواج و تشکیل خانواده را به کل از سر به در کردند. اکنون و با گذشت یک دهه یا بیشتر، زنان به روش‌های گوناگون ناگزیر از رویارویی با این حقیقت شده‌اند که نمی‌توان به آن وعده‌هایی که فمینیسم و آزادی نوید داده است جامه عمل پوشاند (گرانٹ، ۱۳۹۷، ص ۲۱).

بنابراین، زنانی که به دنبال آزادی نوید داده شده توسط جنبش‌های اغلب زنانه معاصر، از نقش محوری خود در خانه و خانواده چشم پوشیدند، آنچه به دست آوردند کمترین نسبتی با رضایت درونی آنان نداشت. نویسنده در ادامه، از حقیقتی پرده برمی‌دارد که قابل کتمان نیست: «حتی سیمین دوووار نویسنده فمینیست پرآوازه جنس دوم سعی نکرد صاحب همه چیز شود. به گفته دوووار یا فرزند یا کتاب همین و بس.» (همان، ص ۲۲). چیزی که سال‌هاست روشنفکران جامعه ما سعی دارند خلاف آن را به زنان جامعه ما بقبولانند، اینکه زنان می‌توانند و باید هم‌زمان چند نقش به عهده بگیرند. چیزی که دوووار از اصلی‌ترین منادیان مکتب فمینیسم خود به صراحت به نشدنی بودن آن اعتراف کرده است: تونی گرانٹ در جای دیگری از کتاب خود می‌نویسد:

جنبش‌های معاصر، زنان را به سوی این اندیشه رهنمون کرده تا باور کنند دارای منبع بی‌حد و حصر انرژی جسمانی و روانی هستند، ولی البته آنها از آن بی‌بهره‌اند.



زنان نیز درست مانند مردان صرفاً انسان هستند. زنی که انرژی اش را در جهت سامان دادن به حرفه و آینده ای خاص متمرکز و صرف می کند، دیگر برای بهبود روابط، حمایت از مرد و پرورش فرزندان نیرویی برای او باقی نمی ماند (همان، ص ۲۲).

این جملات شاید شبیه سخن همان طفلی باشد که در میان مردمی که جرئت بیان حقیقت را نداشتند، فریاد می زد پادشاه لباس به تن ندارد. بله حقیقت این است که توان جسمی زنان همچون مردان محدود است و زنی که توان خود را در جهت حرفه شخصی به کار می بندد، از ایفای نقش محوری خود در خانواده باز می ماند و این ناگزیر است. شاید بتوان گفت جنبش های معاصر به جای برداشتن باری از دوش زنان، برای آنان گرانباری حاصل از تعدد نقش ها را به دنبال آورده اند و از آنان وظیفه ابرانسانی می طلبند. البته در بهترین حالت چنین است؛ چراکه نتیجه سنگینی تعدد نقش ها اغلب به سمت رها کردن تعدادی از آنها می انجامد و آنچه در این میان قربانی می شود، اغلب نقشی است که زن در خانواده به عهده می گیرد؛ یعنی همسری و مادری و این چیزی نیست که زنان فطرتاً خواهان آن باشند، بلکه نتیجه ظلمی است که جامعه تحت لوای آزادی و رشد فردی به آنان تحمیل کرده است و آنان را در تنگنایی قرار داده که زمانی که ناگزیر از انتخاب بین نقش خانوادگی و نقش فردی شدند، وزنه فردیت سنگینی کند.

فمینیست ها دهه ها وقت صرف کردند تا زنان را متقاعد کنند که آمریکا باید زمینه آزادی از هر قید و بندی را فراهم کند تا شاید آنها خوشحال شوند. در حالی که این فقط ایده ای فریبنده و جذاب بود. بدیهی است که زنان گاهی



اوقات دوست دارند که وظیفه‌ای روی دوششان نباشد، آنها ممکن است گاهی اوقات فکر کنند که رهایی از دست شوهر و بچه‌ها بد نیست. چه کسی این فکر را نمی‌کند؟ ازدواج و مادری مستلزم کار زیاد و فداکاری است. اما زن‌ها نمی‌خواهند آزاد باشند اگر آزادی به معنای تنها بودن، وابسته به دولت بودن یا حتی بودن در یک کاخ بزرگ است، بدون هیچ زمانی برای بودن با خانواده‌ات. اکثر زنان در آمریکا همان چیزی را می‌خواهند که یک فرد معقول و منطقی می‌خواهد: یک خانواده‌ای که دوستش داشته باشند و البته دلگرمی او باشند (شلافلای، ونکر، بی‌تا، ص ۴۳).

نویسنده کتاب آن روی فمینیسم از یک میل فطری و منطقی سخن می‌گوید. این مطلب وقتی جالب‌تر می‌شود که به اعتراف دیگری از دوبووار برمی‌خوریم: «هیچ زنی نباید مجاز باشد تا در خانه بماند و فرزندانش را بزرگ کند. جامعه باید به طور کامل متفاوت شود. زنان نباید حق انتخاب داشته باشند دقیقاً به این دلیل که در صورت داشتن حق انتخاب، بسیاری از آنها سرگرم همان کارهای پیشین می‌شوند (گاردنر، ۱۳۹۶، ص ۱۵۳).

نکته‌ای که وی در این بیان به آن اشاره می‌کند، جای تامل بسیار دارد. به زنان نباید حق انتخاب داد؛ چرا که در این صورت بسیاری از آنان سرگرم همان کارهای پیشین (خانه‌داری، مادری و همسری) می‌شوند. نویسنده مقاله زنان، ازدواج، خانه‌داری و تربیت فرزندان در اندیشه اسلامی می‌نویسد:

قرآن و دیگر متون دینی مخالف ثروت و قدرت زنان نیست، اما بیشترین تأکید را بر ازدواج و خانواده دارند. ظاهراً این امر با منافع اکثریت زنان جهان نیز سازگار است. با اینکه زنان به ثروت و قدرت بی‌علاقه نیستند، اما دغدغه اولیه آنان به



ازدواج و خانواده معطوف است (احمدپور، ۱۳۹۰، ج ۶، ص ۲۰۱).

از این سخن می‌توان فطری بودن خانه‌داری را دریافت. علامه طباطبایی نیز در اثبات عدم جایز بودن نقش‌های مدیریتی برای زنان می‌فرمایند: «تأخر مردان از زنان در دسته‌ای از فعالیت‌ها طی زمان می‌تواند از تناسب نداشتن آن فعالیت با جنس زنان حکایت داشته باشد.» (علاسوند، ۱۳۹۷، ص ۳۷۱). مطابق نظر علامه، اشتغال زنان تمام جوامع در تمام طول تاریخ به امر خانه‌داری، حاکی از تناسب این نقش با ویژگی‌های طبیعی آنان است. به عبارت دیگر، می‌توان گفت: خانه‌داری با فطرت زنان تناسب دارد و بر آن منطبق است. اگر مکاتب بشری زنان را با فطرت خود رها کنند، و از اغوا و فریفتن آنان دست بردارند، انتخاب طبیعی و فطری زنان، خانواده خواهد بود. *تونی گرانت* به تبعات گسترش نگاه مکاتب معاصره زنان در جامعه اشاره کرده، می‌نویسد:

امروزه بسیاری از زنان سهم و نقش خود را صرفاً به عنوان زن در رابطه با خانواده کوچک می‌انگارند. زنی که نیروی عقلانی و انرژی خود را در حمایت از مرد و خانواده‌اش و نه در جهت به کمال رساندن خود از طریق حرفه‌ای به کار می‌گیرد نالایق پنداشته می‌شود (گرانت، ۱۳۹۷، ص ۲۲).

البته خوشبختانه هنوز چنین نگاه‌هایی در میان زنان جامعه ما رسوخ نکرده است و همچنان خانواده انتخاب اول یک زن ایرانی است؛ ولی به نظر می‌رسد اگر هوشیار نباشیم و اجازه دهیم افکار دختران و زنانمان، بدون سلاح در مقابل هجوم افکار مسموم جهان غرب قرار بگیرند، تجربه آنچه غرب به آن رسیده دور از دست نباشد.

خانه‌داری طرح خالق برای زن

فاطمه زهرا علیها السلام یک زن اسلامی است، زن در بالاترین طراز زن اسلامی، یعنی در حدّ یک رهبر، اما همین زنی که از لحاظ فضایل و مناقب و حدّ وجودی می‌توانست پیغمبر باشد، همین زن مادری می‌کند، همسری می‌کند، خانه‌داری می‌کند؛ ... این فریفتگان غافلِ حرف‌های پوچ غربی‌ها، این قدر خانه‌داری را تحقیر نکنند. معنای خانه‌داری زن تربیت انسان است، معنایش تولید والاترین و بالاترین محصول و متاع عالم وجود است؛ یعنی بشر. خانه‌داری یعنی این» (بیانات رهبری، ۱۳۹۵/۱۲/۲۹).

مسائل مطرح شده در حوزه زنان امروزه یکی از چالش برانگیزترین مسائل در علوم انسانی است و شناخت زنان از جایگاه خود در خانواده و جامعه، از مهم‌ترین این مسائل است. اما از نگاه محسن عباسی ولدی نویسنده کتاب «من دیگرما»، داستان آن‌قدرها هم پیچیده نیست. از منظری، داستان زن داستان بندگی است و حلقه مفقوده در بسیاری از چالش‌های مسائل زنان، مقوله بندگی و عبد بودن است و آنچه سبب سردرگمی است، استقلالی است که انسان در مقابل خدا اعلام کرده است:

ما در بحث زن به شدت به بندگی نیاز داریم. بندگی در اینجا، یعنی پذیرش اینکه خدای مهربان، مالک و مدبّر ماست و ما در زندگی باید اجراکننده نقشه‌ای باشیم که او کشیده است. خالق چه نقشی را در زندگی به عهده زن گذاشته است؟ به نظر می‌رسد، اگر از تبلیغات فریبنده دوران معاصر چشم‌پوشیم و با ذهن و دلی حق طلبانه به دنبال پاسخ این سؤال‌ها برویم، جای تردید باقی نمی‌ماند که نقش اصلی زن در خانواده شوهرداری و مادری کردن است (عباسی ولدی،

۱۴۰۱، صص ۲۳-۲۲).

به گفته وی، این مسئله از نگاه معارف دینی قطعی و مسلم است. او در ادامه برای توضیح سخن خود به دو روایت مهم اشاره می‌کند. روایت اول، در مورد تقسیم کار میان حضرت زهرا علیها السلام و حضرت علی علیه السلام در ابتدای ازدواج ایشان است که توسط پیامبر صلی الله علیه و آله انجام شد و روایت دوم، حدیث معروفی از اسماء بنت یزید است. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که علی علیه السلام و فاطمه زهرا علیهما السلام در ابتدای ازدواج تقسیم کارهای زندگی مشترک خود را به عهده پیامبر گذاشتند و ایشان کارهای داخل خانه را به دخترشان و کارهای بیرون از خانه را به امام علی علیه السلام سپردند. این تقسیم کار خوشحالی حضرت زهرا علیها السلام را به دنبال داشت؛ چرا که پیامبر ایشان را از کارهای مردانه معاف داشتند.

در حقیقت حضور سه شخصیت اول جهان اسلام، بر اهمیت این موضوع دلالت دارد. اینکه وظیفه تقسیم وظایف بر عهده رسول خدا است، که به فرمایش قرآن جزو حسی سخن نمی‌گوید و اطاعت از او مانند اطاعت از خداست. توجه ما را به واکنش حضرت زهرا علیها السلام و این نکته که رضایت و یا عدم رضایت معصوم، معیاری مهم در تشخیص حق و باطل در دین ماست، جلب می‌کند: «پس از تقسیم کار چه حسی در برترین بانوی عالم ایجاد شد؟ حس رضایتی که نشان از خشنودی خداوند دارد، چرا که ملاک حق، خشنودی حجت خداست و ملاک باطل خشم او» (همان، ص ۲۴). نویسنده در انتها چنین نتیجه‌گیری می‌کند:

از این حدیث به راحتی می‌توان نتیجه گرفت که اگر خانه محیط اصلی کار زن باشد؛ با آفرینش او تناسب دارد. به عبارت دیگر، زن به گونه‌ای آفریده شده

است که مسیر رسیدن او به هدف آفرینش از درون خانه می‌گذرد، حتی اگر آن زن فاطمه زهرا علیها السلام باشد (همان، ص ۲۵).

اوسپس در توضیح این مطلب به سیره حضرت زهرا علیها السلام استناد می‌کند: اگر مسیر بندگی غیر از این بود فاطمه زهرا ی که از نظر توان روحی و جسمی در حد اعلاست، بی شک آن را انتخاب می‌کرد. همان طور که وقتی در روزهای پایانی عمرش وظیفه بندگی خود را در آن سوی در خانه دید، فاطمه‌ای که تا این اندازه از تقسیم کار پدر خوشحال شده بود، لحظه‌ای تردید نکرد، بلکه به مسجد آمد و برای زنان و مردان خطبه خواند (همان، ص ۲۵).

به نظر می‌رسد، در موضوع زنان، شاید همچون سایر موضوعات مطروحه در زندگی، وقتی هدف بندگی و پیمودن مسیر فطرت باشد، انتخاب راه واضح و روشن است. البته که این روایت تنها روایتی نیست که می‌توان با مدافعه در آن برتری خانه‌داری برای زنان در نگاه اسلام را به نوعی اثبات کرد؛ بلکه روایت مهم دیگری نیز در ادبیات دینی ما وجود دارد که به حدیث/اسماء بنت یزید معروف است. نکته بسیار جالب در مورد این روایت دغدغه‌هایی است که اسماء از آنها سخن می‌گوید و بسیار شبیه به دغدغه‌های یک زن امروزی است. آنچه اسماء از آن سخن می‌گوید تفاوت بین تکالیف زنان و مردان است و مخاطب و پاسخ‌دهنده در این میان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است. ابتدا بهتر است به نقل روایت بپردازیم:

اسماء انصاریه دختر یزید که از انصار بود حضور پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم آمد وقتی که رسول خدا در میان اصحاب نشسته بودند. اسماء گفت: پدر و مادرم فدای تو باشند ای رسول خدا! من از طرف زن‌ها به عنوان پیک و نمایندگی به سوی شما آمده‌ام. ای پیغمبر خدا که نفس من فدای تو باشد! بدان که هیچ زنی نیست در شرق عالم، و



نه در غرب عالم که بشنود این پیغامی را که برای تو آورده‌ام، مگر اینکه می‌دانم او هم رأیش مثل رأی من است؛ و در این سؤالی که از شما می‌کنم، تمام زن-های دنیا با من شریک‌اند. حَقّاً و حَقِيقَةً می‌دانیم که خداوند تورا به حق به‌سوی همه مردها و زن‌ها مبعوث کرده است؛ ما هم به تو و به آن خدایی که تو را مبعوث کرده است ایمان آوردیم. و ما جماعت زن‌ها محصور هستیم و مقید به قیود و محدود به حدود، در تحت فرمان شوهر، در خانه‌های شما نشسته‌ایم! و برای برآورده شدن خواسته‌ها و میل‌های نفسانی شما آماده‌ایم! و اولاد شما را در دل خود حمل می‌کنیم! و اما شما جماعت مردان بر ما فضیلت داده شدید به اینکه در صحنه‌های نماز جمعه حاضر می‌شوید؛ در جماعت‌ها حضور پیدا می‌کنید؛ عیادت مرضی و تشییع جنازه می‌کنید؛ حج بعد از حج بجا می‌آورید؛ و از تمام اینها بالاتر، در راه خدا جهاد می‌کنید؛ و هر کدام از مردان شما که به‌سوی حج یا عمره، یا برای مرزداری و سرحد داری خارج بشود، ما اموال شما را حفظ می‌کنیم؛ و لباس‌های شما را می‌بافیم و اولاد شما را تربیت می‌کنیم. اینک ای رسول خدا برای ما بیان کن آن چیزی که ما را با شما در اجر شریک می‌نماید چیست؟ حضرت چهره مبارک خود را تماماً به‌سوی اصحاب برگرداندند و گفتند: آیا شما تا به حال شنیده‌اید گفتاری از زنی که در امر دینش، و در مسئله‌ای از مسائل مذهبش، پاکیزه‌ترو طیب‌ترو منطقی‌ترو نیکوتر از گفتار این زن باشد؟ عرض کردند: یا رسول الله! اصلاً، ما که نشنیده‌ایم به جای خود، گمان هم نمی‌کردیم این دقائق به فکر زنی برسد و زنی بتواند به این خصوصیات پی ببرد! رسول خدا ﷺ متوجه آن زن شده و فرمودند: اینک برو و به آن زنانی که تورا به‌عنوان نماینده و پیک و قاصد فرستاده‌اند و پشت سرتودر

انتظار پاسخ به سر می‌برند، به همه آنها خبریده که بهتر شوهرداری کردن شما و دنبال رضا و طلب خواسته‌های شوهر بودن، و در امور، متابعت و موافقت او را نمودن، ثوابی به شما می‌دهد که معادل با تمام اجرهایی است که خداوند برای مردان قرار داده است. آن زن که این حرف‌ها را از پیغمبر شنید، به راه افتاد و در حالی که از شدت خوشحالی صدا می‌زد: لا اله الا الله، لا اله الا الله، الله اکبر، الله اکبر، از خدمت پیامبر مرخص شد (http://nooremojarad.com).

با دقت و توجه در این روایت، چند نکته مهم در آن وجود دارد: اینکه در صدر اسلام سؤالی مطرح شده است که فرقی با دغدغه‌های زن امروزی ندارد. این امر نشان می‌دهد که زنان نیاز دارند تا از ارزشمندی کار خود مطلع شوند و اینکه آیا برای آنها در این امور فضیلتی هست؟ نکته قابل توجه دیگر اینکه/سماء کار زن در خانه را با کارهایی از مردان مقایسه می‌کند که هر کدام به تنهایی دریایی از فضائل را به همراه دارند و اوج آنها جهاد در راه خداست و کارهایی که وی از آنها یاد می‌کند، کارهایی هستند که امروزه در نگاه برخی، نشانه عقب ماندگی زنان است! نکته دیگر اینکه، اسماء این سخنان را مقابل رسول خدا ﷺ می‌زند و ایشان حرف‌های او را رد نمی‌کند و این نشانه پذیرش این سخنان از سوی ایشان است. پیامبر خدا در مواجهه با سؤال/سماء سبک زندگی او و سایر زنان را تغییر نمی‌دهد، بلکه نوع نگاه آنها را تغییر می‌دهد (همان، ص ۳۰). سرانجام واکنش/سماء به سخنان پیامبر ﷺ جالب است که با شنیدن پاسخ رسول خدا ﷺ با خوشحالی ندای الله اکبر سر می‌دهد. یعنی با تغییر نگرش، احساس زنان به نقش خود متفاوت می‌شود، بدون آنکه سبک زندگی آنان تغییر کند (همان، ص ۳۱). این نکته بسیار مهم است که نوع نگاه زنان نسبت به آنچه انجام می‌دهند، رابطه مستقیمی با رضایت درونی آنان

دارد و اینجاست که اگرزنی دغدغه بندگی داشته باشد؛ چنان که اسماء بنت یزید داشت، از فهمیدن میزان ارزشمندی کار خود در پیشگاه خداوند راضی و خشنود خواهد شد.

خانه‌داری فرصتی برای مادری

از منظر رهبر فرزانه انقلاب، خانه‌داری فرصت بسیار مغتمی است برای فرزندآوری و فرزندپروری. ایشان می‌فرمایند:

شما اگر بچه خودتان را در خانه تربیت نکردید، یا اگر بچه نیاوردید، یا اگر تارهای فوق‌العاده ظریف عواطف او را - که از نخ‌های ابریشم ظریف‌تر است - با سرانگشتان خودتان باز نکردید تا دچار عقده [عاطفی] نشود، هیچ‌کس دیگر نمی‌تواند این کار را بکند؛ نه پدرش، و نه به طریق اولی دیگران؛ فقط کار مادر است. این کارها، کار مادر است؛ اما آن شغلی که شما بیرون دارید، اگر شما نکردید، ده نفر دیگر آنجا ایستاده‌اند و آن کار را انجام خواهند داد. بنابراین، اولویت با این کاری است که بدیل ندارد؛ تعیین با این است (بیانات رهبری، ۱۳۹۰/۱۰/۱۴).

از بین رفتن اهمیت نقش خانه‌داری و قداست آن و در رتبه‌های بعدی حتی تحقیر این نقش به فجایعی می‌انجامد که شاید از ابتدا عموم مردم جامعه و افرادی که خانه‌داری را کم‌اهمیت جلوه می‌دهند، تصویری از آن آینده فاجعه‌بار نداشته باشد. اگر گفته شود نقش خانه‌داری مقوله‌ای جدا از مادری و یا همسری است. باید گفت: خانه‌داری در حقیقت به دنبال نقش‌های همسری و مادری زن تعریف می‌شود و فرصتی برای مادری در اختیار زنان قرار می‌دهد

که با اشتغال در معنای رسمی قابل جمع نیست. براستی مادری کردن غیر از مادر شدن است. مادر شدن یعنی پاسخ به یک نیاز غریزی به نام داشتن فرزند. اما مادری کردن؛ یعنی تربیت یک انسان که نیازمند وقت و حوصله کافی و البته دانش و خودسازی مداوم است و این چیزی است که با ذات اشتغال زن به معنای متداول آن؛ یعنی کار تمام وقت و تعهد به حضور در ساعاتی معین در محیط کار، قابل جمع نیست و تجربه‌های زیسته زنان شاغل و یا فرزندان مادران شاغل به این حقیقت گواهی می‌دهد.

دنیای مدرن برای حل تعارض میان مادری و اشتغال زنان، مهدکودک و مؤسسات نگهداری از کودکان را به وجود آورد و البته برای قبولاندن آن به مادران دروغ‌هایی نیز ساخته است. دروغ‌هایی که بسیاری از زنان آن را باور کردند، درحالی‌که اگر از اغوای رسانه‌ها و تبلیغات آنان چشم پوشیده و اندکی تفکر کنیم، نادرستی آنها آشکار می‌شود؛ چرا که «باورهای اجتماعی در دنیای مدرن، حاصل دروغ‌های متراکم و پشت سرهمی است که رسانه‌ها تولید می‌کنند. این، فرصت فکرکردن را بیشتر از پیش از انسان می‌گیرد» (عباسی ولدی، ۱۴۰۱، ص ۱۴۶).

حقیقت چیست؟ آیا می‌توان رسانه‌های امروزی را بدون بهره‌گیری از جذابیت‌های زنانه متصور شد؟ در این میان، اندک متفکران و دلسوزانی هستند که واقعیت ماجرا را آشکار می‌کنند. ویلیام ووندی درسکین، که مؤسسان و مدیران سابق یک مهدکودک هستند، پس از سال‌ها تحقیق در زمینه کودکان می‌نویسند: «موضوع، مهدکودک خوب یا بد نیست. مهدکودک تمام وقت، حالا خوب یا بد، تأثیر زیادی بر رشد عاطفی کودک خواهد داشت. آنان طبق یک آمارگیری رسمی از اعتقاد والدین به نگهداری کودکان زیر پنج سال در خانه، با



یکی از والدین سخن می‌گویند و نیز از این موضوع که هیچگاه مراقبت از کودکان در مهدکودک‌ها نمی‌تواند به همان اندازه مراقبت والدین در خانه خوب و مفید باشد (شلافل، ونکر، ۱۳۹۳، ص ۲۲۲). اما در اخبار رسمی خبری از این سخنان نیست؛ زیرا در تمدن مادی که با ابزار رسانه اذهان مردم را مدیریت می‌کند، این رسانه‌ها هستند که تعیین می‌کنند چه چیزی شنیده شود و چه چیزی بایکوت خبری شود.

مری/پرستاد، در کتاب خود «تنها در خانه» می‌نویسد: یک میلیون و بلکه میلیون‌ها کودک آمریکایی تنها رها شده‌اند، تا با عواقب شوم به تنهایی از خود دفاع کنند (همان، ص ۲۲۵). نویسنده، سپس به یک حقیقت روشن و بدیهی اشاره می‌کند: برای اولین بار در تاریخ آمریکا، هیچ توقعی از پدر و مادرها برای مراقبت از کودکانی که به دنیا آورده‌اند، نیست. سپس بیان می‌کند: دلیل آن‌چنان که فمینیست‌ها به شما القا کرده‌اند، مورد ظلم و ستم بودن زنان یا عدم تمول خانواده‌ها در استخدام پرستار و غیره نبود، بلکه به این دلیل بود که آمریکایی‌ها قادر به درک این حقیقت بودند که کودکان نیازهایی دارند و مادران به بهترین وجه این نیازها را برآورده می‌کنند (همان، ص ۲۲۶). خانه‌داری در حقیقت فرصتی برای با خیال آسوده مادری کردن در اختیار زنان می‌گذارد که نیاز چندانی به اثبات کردن ندارد و به محض تصور، تصدیق می‌شود. اما با این وجود با دلایل متقن و منطقی نیز چنان‌که دیده شد نیاز فرزندان به حضور مادر در خانه، قابل اثبات است.

خانه‌داری ضامن سلامت روان نسل آینده

از منظر رهبری انقلاب حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، خانه‌داری زنان، تضمینی برای سلامت نسل آینده است:

[زن مسلمان باید] در دامن پرمهر و پرعطوفت و با سخنان پرنکته و مهرآمیزش، فرزندان سالمی را از لحاظ روانی تربیت کند؛ انسان‌های بی‌عقده، انسان‌های خوش‌روحیه، انسان‌های سالم از لحاظ روحی و اعصاب، در دامن او پرورش پیدا کنند و مردان و زنان و شخصیت‌های جامعه را به وجود آورد. مادر از هر سازنده‌ای، سازنده‌تر و باارزش‌تر است. اینکه کسی یک انسان والا به وجود آورد و او، مادر است (بیانات رهبری، ۱۳۷۱/۰۹/۲۵).

براستی نتیجه سپردن تربیت یک نسل به مهدکودک‌ها و محروم کردن آنان از آغوش گرم مادری چیست؟ نویسنده کتاب «چه کسی گهواره را تکان خواهد داد؟» می‌نویسد:

مهر و عطوفت ملی، سبب به کودکان و پرورش‌دهندگان آنها در نسل قبلی به شدت کاهش یافته است و این ناراحت‌کننده و وحشتناک است. «گیلدر و دیگران، ۱۳۹۲، ص ۲۶).... در مجموع جرم و جنایت، به یک خطر جدی برای کودکان آمریکایی تبدیل شده است. در حال حاضر، عامل اصلی مرگ درون‌شهری نوجوانان، قتل است... فهرست خطراتی که کودکان آمریکایی را تهدید می‌کند ادامه دارد و شامل مواردی همچون مصرف بالایی مواد مخدر، فعالیت جنسی زودهنگام و غیره می‌شود. استرس دوران کودکی، خودکشی در دوران نوجوانی را به دنبال دارد (همان، ص ۲۸).

نویسنده سپس در تحلیل خود از این وضعیت نگران‌کننده فرزندان آمریکایی

می‌نویسد:

یکی از دلایل استرس دوران کودکی، دور بودن والدین از کودکان در دوران خردسالی است. استفاده فزاینده از مهدکودک‌ها برای بچه‌های خیلی کوچک، نشانه‌ای از این جدایی است. ... در سال ۱۹۸۴، بیش از هفت میلیون کودک پنج تا سیزده ساله، در حالی از مدرسه به خانه می‌آمدند که هیچ کدام از والدینشان در خانه حضور نداشتند و بیش از دو میلیون نفر از این کودکان که مادرانشان شاغل بودند به خانه‌ای وارد می‌شدند که هیچ بزرگسالی در آن نبود (عباسی ولدی، ۱۴۰۱، ص ۱۵۵). جایگاهی که غرب با مخدوش کردن جایگاه زن در خانواده به آن رسیده، عبرتی غیرقابل انکار است. پاشنه آشیل غرب در این فجایع، خانواده است و نه خانه‌داری، اما میان خانه‌داری و اولویت دادن به خانواده رابطه‌ای مستقیم وجود دارد. اگر خانه‌داری که شامل دو نقش همسری و مادری است، در جامعه‌ای بی‌ارزش شود، ازدواج و مادری و به دنبال آن خانواده جایگاه خود را در اذهان زنان و مردان جامعه از دست خواهد داد. آنچه غرب را به اینجا رسانده است، بیرون کشاندن زن از محیط خانه با القای این حقیقت کذب است که خانه محل اسارت زن و مانع رشد و شکوفایی اوست. بتی فریدان، نویسنده کتاب «مروارز زنانه» و از فعالان جنبش فمینیسم در آمریکا، خانه سنتی را به اردوگاه کار اجباری تشبیه می‌کرد که زندانیان آن، زنان خانه‌داری هستند که به وسیله نیروی زنانگی شست و شوی مغزی شده‌اند و دیگر به طور کامل انسان نیستند (گاردنر، ۱۳۹۶، ص ۱۵۵).

در هم ریختن ساختار خانواده سنتی، فرایندی است که بنیان‌های مادری و پدری را در هم ریخت و نقش هریک را به حاشیه بلکه به خارج از خانه راند و



فرصت ایفای نقش مادری و همسری را آن‌گونه که خانواده بدان نیازمند بود، از زنان گرفت. ظهور همیاران خانواده، مهم‌ترین بازتاب خروج زنان از خانه‌ها و گسترش حضور اجتماعی آنان، ترک برخی از وظایف همسری و مادری و سپردن نقش‌ها و کارکردهای آن به سازمان‌ها و نهادهای رسمی کشور بود. این‌گونه نهادها، عهده‌دار وظایف سنتی پدران، مادران و خویشاوندان نزدیک شدند. برخی از این همیاران عبارت بودند از: مدارس شبانه‌روزی، مهدهای کودک، پرورشگاه‌ها، پرستاران خانگی، پانسیون‌ها، آژانس‌های خدمات خانگی. این واگذاری نقش‌ها، خانواده‌ها را از موهبتی عظیم محروم کرد و آسیب‌های جدی فرهنگی، عاطفی، اخلاقی، دانشی و بینشی را متوجه جوامع نمود (سیاح، مجرد، ج ۵۳، ۱۳۹۰، صص ۲۲۳-۲۲۲).

بنابراین، به هم‌ریختن ساختار سنتی خانواده فرایندی است که بنیان‌های مادری و حتی پدری را به هم‌ریخته است. خانواده سنتی در تعاریف اغلب به خانواده‌ای گفته می‌شود که مرد نان‌آور و زن خانه‌دار باشد. به نظر می‌رسد، نتیجه کم‌ارزش کردن جایگاه خانه‌داری در اذهان زنان و دختران جامعه، فروپاشی تدریجی بنیان خانواده در آینده‌ای نزدیک است.

راهکارهای بازگرداندن ارزش به نقش خانه‌داری

در اینکه برآستی چه راهکاری برای احیای خانه‌داری برای زنان به عنوان یک ارزش فراموش شده است. رهبری فرزانه انقلاب می‌فرمایند:

فرهنگ غربی خانواده را متلاشی کرد. امروز یکی از مشکلات بزرگ دنیای غرب، متلاشی شدن خانواده‌هاست، افزایش فرزندان بی هویت است. اینها

گریبان غرب را خواهد گرفت. حوادث اجتماعی به مرور پیش می‌آید. غرب از همین نقطه سخت‌ترین ضربه‌ها را خواهد خورد و این تمدن مادی پرزرق و برق از همین نقطه فرو خواهد ریخت (بیانات رهبری، ۱۳۹۱/۰۴/۲۱).

اما سؤال اصلی اینجاست که چه باید کرد؟ شاید آنچه غرب به آن رسیده دور از دست به نظر برسد، اما اگر افکار عمومی ملت ما در مقابل خطرات این فرهنگ مسموم که ظاهری جذاب و فریبنده دارد بیمه نشود، رسیدن به آنچه غرب بدان گرفتار شده است بسیاری از خانواده ایرانی دور نیست. چنان که نشانه‌هایی از آن مثل اولویت دادن دختران به تحصیلات آکادمیک بجای همسری و به کار، به جای مادری دیده می‌شود. بالا رفتن سن ازدواج، افزایش تعداد دختران تحصیل کرده، افزایش درخواست زنان و دختران برای فرصت‌های شغلی، کاهش تعداد فرزندان، همه و همه نشانه‌هایی از نفوذ فرهنگ و سبک زندگی غربی در اذهان زنان و دختران ماست. به نظر می‌رسد، نهادهای فرهنگی و خانواده‌ها باید به هوش باشند و بیش از این به فرهنگ بیگانه اجازه جولان ندهند و قبل از آنکه فرصت از دست برود دست به کار شوند. توجه به ارزش معنوی خانه‌داری، نقش والدین در انتقال این ارزش‌ها به دختران و نقش مردان در بازگرداندن تقدس به خانه‌داری، از جمله راهکارهای احیای خانه‌داری است.

الف. توجه به نقش والدین در انتقال ارزش‌ها به نسل بعد

در خصوص توجه مضاعف به نقش والدین در انتقال ارزش‌ها به نسل‌های آتی رهبری انقلاب می‌فرماید:

علّت این که اسلام این قدر به نقش زن در داخل خانواده اهمیت می‌دهد، همین است که زن اگر به خانواده پایبند شد، علاقه نشان داد، به تربیت فرزند اهمیت داد، به بچه‌های خود رسید، آنها را شیر داد، آنها را در آغوش خود بزرگ کرد، برای آنها آذوقه‌های فرهنگی - قصص، احکام، حکایت‌های قرآنی، ماجراهای آموزنده - فراهم کرد و در هر فرصتی به فرزندان خود مثل غذای جسمانی چشاند، نسل‌ها در آن جامعه، بالنده و رشید خواهند شد.» (بیانات رهبری، ۱۳۷۵/۱۲/۲۰).

تونلی‌گرانت در کتاب خود، «زن بودن»، به تناقض آشکاری در امر تربیت دختران آمریکایی اشاره می‌کند. از نظری، بسیاری از مادران نسل گذشته آمریکا مادرانی با خصوصیات بسیار زنانه بودند که دست به پرورش دخترانی جنگجو زدند. چنین مادرانی غالباً در انتقال خشنودی حاصل از زندگی زناشویی به دخترانشان ناموفق بوده‌اند. به جای آن بر جهان موفقیت و نیروی عقلانی تأکید کرده‌اند. آنها برای دخترانشان بهترین را می‌خواستند؛ ... مادری که به دخترش می‌گفت هراحمقی می‌تواند زمین بشوید به جای این کار کتاب بخوان، بعدها اولین کسی بود که در مورد استقلال بیش از حد دخترش و ازدواج نکردن او ابراز نگرانی کرد (گرانت، ۱۳۹۷، ص ۱۱۵). در حقیقت از دختری که برای خودکفا شدن و جنگیدن با مردان تربیت شده، انتظار ایفای نقش سنتی همسری و مادری دارند و این همان تناقض آشکار است.

گیلدرمی‌نویسد:

به نظر من بسیاری از زنان در دهه‌های اخیر با تأثیر گرفتن از جنبش زنان (فمینیسم) واقعاً ارزش‌های زندگی خود را تغییر دادند. اصل کاری که ایشان انجام



دادند آن بود که دهه دوم و سوم زندگی خود را صرف رقابت شدید با مردان در عرصه پیشرفت شغلی نموده و آن را اولویت اول زندگی خود قرار دادند. وقتی به دهه سوم عمر خود رسیدند دریافتند مسرت حاصل از چنین پرداختن شدید به شغل آن قدری نبود که فکرش را می کردند و بنابراین به فکر ازدواج افتادند. در این مرحله دریافتند که یافتن همسر دلخواه در دهه سوم و چهارم عمر بسیار سخت تر از دهه دوم عمر است (گیلدر و دیگران، ۱۳۹۶، ص ۲۲).

این نتیجه نگاهی است که در غرب و شاید جامعه کنونی ما، به دختران داده شد. ازدواج، همسری و مادری در نظرشان کوچک شد و کار و تحصیل به عنوان اولویت های زندگی از طریق والدین به آنان منتقل شد و نتیجه نسلی از دختران شد که دریافتند که مسرت حاصل از چنین پرداختن شدید به شغل آن قدری نبود که فکرش را می کردند!!

بنابراین، در خصوص پی بردن به علت کم ارزش شدن خانه داری نزد زنان و دختران جامعه ما، این سؤای مطرح است که برای خنثی کردن تصویر نادرستی که غرب از خانه داری به زنان و دختران ما منتقل می کند، نقش والدین چیست؟ باید پرسید مادران و پدران ما چه تصویری از خانه داری به فرزندان خود منتقل می کنند؟ آیا مادر هنگام انجام کارهای منزل حس بندگی دارد؟ آیا پدر طوری با مادر رفتار می کند که گویی او عبادتی انجام داده است؟ چرا این قدر بین نگاه ما و دین فاصله هست؟ (عباسی ولدی، ۱۴۰۱، ص ۳۴). به نظر می رسد، برای تغییر و تصحیح این اشتباه، ابتدا باید نگاه خود والدین تغییر کند. شاید هنوز هم بسیاری از مادران به کار خانه اعتقاد داشته باشند. اما آیا میزان ارزشی که برای خانه داری قائل هستند، با آنچه در نظام محاسباتی دین

آمده است، یکسان است؟ به همین دلیل، مسیر تربیتی ما با میزان اعتقادی که به کار زن در خانه داریم، به سمت و سویی که دین مشخص کرده هدایت نمی‌شود. ما اگر نتوانیم هدف زندگی را در جان فرزندانمان بنشانیم، چگونه می‌شود به شوق بهشت (و سایر پاداش‌های الهی) به آنها حس خدمت در خانه را داد؟ (همان، ص ۳۶).

ب. نقش مردان در بازگرداندن تقدس به خانه‌داری

به نظر می‌رسد، برپا احیای ارزش و جایگاه بایسته و منزلت خانه‌داری، نقش مردان در این زمینه برجسته است. رهبری انقلاب در همین زمینه می‌فرماید:

طبیعت الهی زن و مرد در محیط خانواده، طبیعتی است که برای زن و برای مرد رابطه‌ای فی‌مابین به وجود می‌آورد که آن رابطه، رابطه عشق و مهربانی است: «موده و رحمه». اگر این رابطه تغییر پیدا کرد، اگر مرد در خانه احساس مالکیت کرد، اگر به چشم استخدام و استثمار به زن نگاه کرد، این ظلم است که متأسفانه خیلی از مردان این ظلم را می‌کنند (بیانات رهبری، ۱۳۷۶/۰۷/۳۰).

از نکات بسیار مهم در سبک زندگی خانوادگی پیشوایان معصوم ما یاری رساندن و همکاری در اداره منزل است. در کلمات اولیای دین برای تشویق زن و مرد به یاری یکدیگر، نکات قابل توجهی بیان شده است که توجه به آنها انگیزه همکاری را در منزل بیشتر می‌کند. در مورد همکاری مرد در خانه، رسول خدا ﷺ می‌فرماید:

مردی نیست که به همسرش در خانه کمک کند، مگر آنکه به تعداد موهای بدنش عبادت یک سال روزه با نماز در شب‌هایش برای او پاداش قرار می‌دهند و



خداوند پاداش پیامبران صبوری مانند داوود علیه السلام، یعقوب علیه السلام و عیسی علیه السلام را برای او قرار می‌دهد. ای علی! کسی که از خدمت به خانواده خودداری نکند، خداوند نام او را در زمره شهدا می‌نویسد و در مقابل هر روز و شب خدمت و هر قدم و رنج بدن به او پاداش بسیار می‌دهد. ای علی! یک ساعت خدمت در خانه بهتراست از عبادت هزار سال، هزار حج، عمره و سیرکردن هزار گرسنه و بخشش هزار دینار و چنین کسی از دنیا خارج نمی‌شود، مگر آنکه جایگاه خود را در بهشت ببیند (شریفی، لطفی، ج ۱۴، ۱۳۹۲، ص ۹۱).

در سیره پیشوایان معصوم چنین چیزی وجود داشته است. علی علیه السلام آب و هیزم خانه و جارو و نظافت آن را بر عهده می‌گرفت و همسرانشان فاطمه علیه السلام آرد کردن خمیر و پخت نان را انجام می‌داد. در روایت آمده است که روزی پیامبر صلی الله علیه و آله وارد خانه علی علیه السلام شد و دید حضرت علی علیه السلام در کنار زهرا علیه السلام نشسته، مشغول پاک کردن عدس است. در این هنگام حضرت رسول صلی الله علیه و آله ثواب عظیمی را برای مردی که به همسر خود در خانه کمک نماید بیان فرمود (همان).

فربیا علا سونید در کتاب «خانه‌های اعیانی» می‌نویسد:

پیروان واقعی اهل بیت فقط در نماز و روزه به آنان اقتدا نمی‌کردند، بلکه همین رفتارهای به ظاهر کوچک را برای ایجاد خانواده‌ای سرشار از انس و مدارا به کار می‌گرفتند.... چون بچه‌ها شب تا صبح گریه می‌کردند، امام شب را تقسیم کرده بودند، یعنی مثلاً دو ساعت ایشان بچه را ساکت می‌کردند و خانم می‌خوابیدند و بعد دو ساعت خودشان می‌خوابیدند و خانم بچه را نگه می‌داشتند. نیز از خانم دباغ نقل شده است که روزی در منزل امام مهمان بودند و دیدند که امام برای کمک به شستن ظرف‌ها به آشپزخانه آمدند

(علاسوند، ۱۳۹۹، ص ۱۱۰).

پدري كه وقتي مادر كارهاي خانه را انجام مي دهد، با نهايت احترام با او برخورد مي كند و با صدايي كه بچه ها مي شنوند و با چهره اي كه نشان از يك دنيا تشكر دارد، از مادر سپاسگزاري مي كند، جايگاه مادري را هم در ذهن دختران و هم در ذهن پسرانش تثبيت كرده است. از طرفي احترام والدين به مادر خودشان كه مادر بزرگ بچه ها هستند نيز تأثير بسيار زيادي در تصوير مقدس از مادري دارد (عباسي ولدي، ۱۴۰۱، ص ۱۶۲، ص ۱۶۷).

همكاري مردان در كار خانگي كه شيوه پيامبر ﷺ و ائمه و بزرگان ديني ما بوده است و نيز قدرداني زباني و عملي آنان از زحمات همسرانشان، از يك سو، تأثير زيادي در نگاه خود زنان به جايگاه خود، در خانواده دارد. از سوي ديگر، موجب مي شود در ذهن دختران خانواده تصوير مثبتی از همسري و مادري نقش ببندد تا در آينده به انتخاب اين نقش ها تمايل پيدا كنند.

ج. دستاوردهای خانه داری زنان برای خانواده

اين سوال مطرح است كه براستي خانه داري براي زنان چه دستاوردي دارد، رهبري انقلاب مي فرمايند:

خانواده اگرچه از مرد و زن تشكيل مي شود و هر دو در تشكيل خانواده و موجوديت آن مؤثرند، اما آسايش فضاي خانواده، آرامش و سكونتي كه در فضاي خانه است، به بركت زن و طبيعت زنانه است (بيانات رهبري، ۱۳۷۱/۰۹/۲۵).

اما دستاوردهاي خانه داري زنان براي خانواده و خود زنان چيست؟ ما از فطري بودن خانه داري و تناسب آن با خلقت زنان، از فراهم شدن فرصتي براي



مادری و نیز ارزش معنوی این جایگاه سخن گفتیم، اما دستاوردهای خانه‌داری برای خانواده و خود زنان چیست؟ به نظر علامه طباطبایی؛ طبیعت مردان به انتشار در زمین، پراکندگی، کوشش بی‌وقفه برای تولید ثروت و رقابت گرایش دارد. آفرینش زن با همه جاذبه‌هایش، موجب جذب زنان به خانه و رسیدن به قرار و آرامش و دورشدن از رقابت‌های بی‌پایان می‌شود. پس در فضیلت همسری زنان همین بس که می‌توانند آرامش را به کره خاکی برگردانند و تولید ثروت را در جهت امنیت و رفاه خانواده قرار دهند (ر.ک: کریمی، میرزادارانی، ۱۳۹۷، ص ۷).

می‌توان گفت زن چنان‌که در بیان رهبری نیز به آن اشاره شد، رکن اصلی آرامش و سکون خانه است. به یقین خانه‌داری، مجال بیشتری به زن می‌دهد تا با فراغت از مسئولیت‌های شغلی و دغدغه تأمین معاش، به نقش اصلی و مهم خود در خانواده بپردازد. رهبرانقلاب در بیانی دیگر، زن را شمع جمع و مایه انس در خانواده معرفی می‌کنند:

زن شمع جمع افراد خانواده است. مایه انس و سکینه و آرامش است. کانون خانواده که حوضچه آرامش زندگی پرچالش و پرتلاش هراسانی است به وجود زن آرام می‌گیرد و سکینه و اطمینان پیدا می‌کند (ر.ک: همان، ص ۸۷).

زنان در خانه برخوردار از فرصت‌هایی نظیر آرامش خاطر ناشی از نداشتن مسئولیت و تعهدی خارج از خانواده هستند که موجب می‌شود زنان با فراغ‌بال بیشتر به نقش‌های خانوادگی و فعالیت‌های موردعلاقه خود بپردازند. در حقیقت فراغت زن از وظیفه امرارمعاش یک موقعیت مناسب برای او فراهم کرده است، مانند سایر حقوقی که دین اسلام برای زنان اختصاص داده است.



تبلیغات شدید رسانه‌ای تفکرات غربی موجب شده است، فراغت زنان از تکلیف تأمین معاش، در چشم برخی از آنان وارونه جلوه کند. در حالی که مبحث حقوق و جایگاه زنان در اسلام، از دید برخی کارشناسان یکی از علل عمده موج گرایش زنان غربی به اسلام است. دکتر هیفاء جد/د، استاد دانشگاه بیرمنگام انگلستان، در مورد علل گرایش گسترده زنان غربی به اسلام می‌نویسد:

این پدیده نمایشگر عکس‌العمل بسیاری از زنان علیه ناهنجاری‌های اخلاقی جوامع غربی است. آنان نسبت به گرایش، پشتیبانی و مشارکتی که اسلام به آنان هدیه می‌کند، احساس خوشایندی دارند (www.afghanpaper.com).

حمایت و پشتیبانی که اسلام از زنان می‌کند، برای زنانی که در جوامع غربی همچون مردان با آنان رفتار شده است، از عوامل گرایش به این دین فطری است. از سوی دیگر، کارین فان نیوک، کارشناس مسائل زنان تازه‌مسلمان هلندی، می‌گوید:

این گونه زنان به دیدگاهی که اسلام درباره رابطه زن و مرد ارائه می‌کند، جذب شده‌اند؛ زیرا در اسلام فرصت بیشتری برای خانواده و مادر شدن به دست می‌آورند و زنان در اسلام تنها وسیله‌ای برای کامیابی جنسی نیستند (همان).

فرصتی که اسلام با برداشتن وظیفه مالی از دوش زنان به آنان می‌دهد تا به خانواده و مادری بپردازند برایشان شیرین است. علاسوند از برخی از مزایای خانه‌داری چنین نام می‌برد:

فرصت‌هایی نظیر آرامش خاطر موجود در خانه که باعث آرامش بخشی به همسر می‌شود، رسیدگی هنرمندانه به خانه، تربیت لحظه‌به‌لحظه فرزندان، توجه دائمی به تغییرات روحی و روانی فرزندان، گفت‌وگوی شادی‌آفرین با آنان و در نهایت

امکان مشارکت در فعالیت‌های مردمی، امداد و کمک‌رسانی و... (علاسوند، ۱۳۹۹، ص ۱۰۷).

برخی از دستاوردهای خانه‌داری زنان را می‌توان این‌گونه بیان کرد. وابسته شدن اعضای خانواده به خانه و همسر و مادر، صرفه‌جویی در هزینه‌های خانواده مانند غذا، لباس و خدمات، حفظ سلامت اعضای خانواده، افزایش نشاط اعضای خانواده به سبب آراستگی و نظافت منزل، کسب ثواب برای انجام کارهای منزل به عنوان انجام عملی عبادی، الگودهی به دختران در راستای آموزش وظایف مادری و کدبانو شدن در آینده، افزایش احساس امنیت اعضا، به ویژه شوهر و... (رک: همان، ص ۱۰۸). از این رو، توجه دادن زنان و دختران به مزایای خانه‌داری، خود یکی از راه‌های ترویج و تبلیغ ارزش این جایگاه در نگاه آنان و انگیزه‌ای مضاعف برای انتخاب گزینه خانه‌داری است.

نگاهی به تجربه زیسته زنان شاغل

خانه‌داری یکی از مهم‌ترین مشاغلی است که به دلیل اهمیت و نقش برجسته‌ای که دارد، مسیر جامعه را و سمت و سوی آینده آن را تعیین می‌کند. رهبری فرزانه انقلاب می‌فرماید:

زن در خانواده عنصر محوری است... مرد باید قدردان باشد. جامعه باید قدردان باشد. حتماً بایستی بر روی کار زن‌های خانه‌دار ارزش‌گذاری ویژه بشود. بعضی می‌توانستند بروند کار بگیرند، بعضی می‌توانستند تحصیلات عالیه بکنند، بعضی تحصیلات عالیه هم داشتند - من دیدم زنانی را از این قبیل - گفتند ما می‌خواهیم این بچه را بزرگ کنیم، خوب تربیت کنیم،

نرفتنیم کار بگیریم. زن نرفته کار بگیرد، آن کار هم زمین نمانده؛ آن ده نفر دیگر رفتند آن کار را گرفتند. (بیانات رهبری، ۱۳۹۰/۱۰/۱۴).

گذشته از راهی که دین و سنت در مسئله زن به ما نشان می‌دهد و تمام تجاربی که غرب روبروی ما برای عبرت گرفتن گذاشته است، تجربه زیسته زنان شاغل چیزی نیست که بتوان آن را انکار کرد. اغلب زنانی که شاغل بودن را انتخاب کرده‌اند، پس از اندک زمانی ناگزیر از رویایی با این حقیقت شدند، همچنان که تونی گرانث گفت: «انرژی زن محدود است» و این واقعیت را لمس کرده‌اند که «زنی که انرژی‌اش را در مسیر حرفه خود صرف کند، دیگر برای حمایت از مرد و روابط خانوادگی خود توانی نخواهد داشت». یک زن به تجربه درمی‌یابد که ابراسان نیست و کارکردن پایه‌پای مردان برای اثبات برابری، برای او سود و رضایتی به همراه نخواهد داشت.

عاطفه حیدری در کتاب «معجزه بن سای»، تجربه اشتغال خود را چنین روایت می‌کند:

کم کم حس کردم زندگی‌مان خیلی دارد کاری می‌شود. دارد همه چیز حول محور کار من می‌چرخد. حس می‌کردم همسرم و بچه‌ها یتیم شده‌اند. دلم آشوب بود. وقتی همسرم خسته‌تر از من از سرکار می‌آمد... آشوب بود، وقتی دلم می‌خواست بیشتر و بیشتر با دخترم بازی کنم و چون آدمیزاد توان محدودی برای یک روز دارد و این انرژی جای دیگر خالی شده بود. نمی‌توانستم توپ را بردارم و هم پای هستی بدوم. آن زمان دلم می‌خواست یک دل سیر هستی را بغل کنم و با او بازی کنم، ولی نمی‌توانستم. دلم می‌خواست گلدان بخرم و دورتادور خانه بچینم... دلم می‌خواست درحالی‌که داشتم با هستی بازی می‌کردم، همسرم بیاید



تو و ما بدویم سمتش و هیچ کاری نداشته باشم جز اینکه شام بیاورم و بعدش چای و میوه. من یک چیزی ازدست داده بودم که توی این سال‌ها کم و بیش داشتم و نمی‌دانستم. یک چیزی که تازه می‌فهمم اصل است برایم. یک چیزی گم شده بود. من نقطه آرامش خانه مان بودم و خبر نداشتم. دریایی بودم که چون آرام بود... من این بودم. خیلی حرف است که دریا نفهمد دریاست. دلش بخواهد رود باشد و هی به این در و آن در بزند تا رود شود. وقتی رود شد تازه می‌فهمد چه کلاهی سرش رفته است. بانو بودن لذت‌هایی دارد که آدم تا وقتی توی آن غرق است، نمی‌تواند درک کند (دانشگر، ۱۴۰۰، صص ۱۴۸-۱۴۹).
توان محدود آدمیزاد که هر قدر حرف‌های دهان پرکن بخواهند آن را نامحدود جلوه دهد، تجربه‌های عینی زنان بر آن خط بطلان می‌کشد و این واقعیت زندگی زنان شاغل جامعه ماست! *مطهره شیروانی*، در مورد این توان نامحدود چنین می‌نویسد:

مسلماً غذا خودش پخته نمی‌شود. لباس‌ها خودشان اتونمی‌شوند و ظرف‌ها را حتی اگر ماشین بشوید باید کسی باشد که آنها را توی ماشین بریزد و جمع کند. بچه نیاز به مراقبت دارد و اگر همه اطرافیان شما حاضر باشند در نگهداری از او کمک‌تان کنند، فرزند شما مادرش را می‌خواهد نه کسی دیگر (همان، ص ۱۵۳).

گلزار/سیدی، تجربه خود را از مادر شاغل بودن چنین بیان می‌کند:
به خاطر درک آنچه در کتاب و جزوه خوانده بودم، پانزده سال در هوای کارخانه نفس کشیدم. ساعت‌ها بین راه بودم و لذت این درک را گذاشتم مقابل حسرت صبحانه و ناهارهای دورهمی که فقط آخر هفته‌ها تجربه‌اش می‌کردم.

کنار آمده بودم با مهدکودک رفتن بچه‌ام و مریض شدن‌های مداومش و مامان گفتن به پرستاری که چند ماه کنارش بود. در تمام این سال‌ها تغذیه پسر را با عشق در کیفش گذاشته بودم، بدون اینکه به حرف‌هایش عمیق شوم. مامان من دوست دارم وقتی میام خونه تودر رو برام باز کنی. اما با خودم می‌گفتم مگر چه فرقی می‌کند؟ به جای زمان‌های پراکنده، چند ساعت فشرده با او بازی می‌کنم. ... جمله پسرکم آن سال‌ها برایم قابل درک نبود؛ ولی وقتی دخترم جور دیگری آن را گفت تازه حس کردم این نیاز مشترکی است که تا وقتی کوچک‌ترند، زبان گفتنش را ندارند: میشه ظهرها بیای دنبالم؟ عصرها توی مهدکودک خیلی تنهام... (همان، ص ۱۰۳).

حرف مشاورانی که در هوای مدرنیته نفس می‌کشند هم نمی‌تواند بروجدان یک مادر غالب شود. هرچند گلزار اسدی از کار خود دست کشید؛ ولی مادران زیادی سال‌ها با وجدانی ناآسوده از تعارض میان مادری و اشتغال به سر می‌برند و نمی‌توانند خود را از دام افکاری که آنان را وادار به اشغال می‌کند نجات دهند. اگر زنی به خود این فرصت را بدهد که ساعتی درنگ کند و چون گلزار اسدی به آنچه به دست می‌آورد و آنچه از دست می‌دهد بیندیشد، به یاری و لطف خداوند و توسل به ائمه علیهم‌السلام، توان غلبه بر افکاری که او را فریب داده و از جایگاه فطری‌اش دور کرده‌اند، خواهد یافت. تشخیص راه درست زندگی برای زنان امروز جامعه و در درجه بعدی انتخاب کردن آن درحالی‌که شاید فضای غالب جامعه خلاف آن را تبلیغ می‌کند و نیز تداوم در این مسیر، به قدرت و توانی روحی نیاز دارد که جز با استمداد از خدا و ائمه اطهار میسر نخواهد شد.

از سوی دیگر، تجربه زیستی زنان خانه دار هم شنیدنی است. *مطهره شیروانی*،



زن خانه‌دار، خطاب به زنان خانه‌دار چنین می‌نویسد:

این شماست که تعیین می‌کنید اطرافیان چگونه تعریف‌تان کنند. اگر شما عاشق خانه‌داری و مادر بودن هستید، از این کار لذت می‌برید و هیچ وقت به شغل دیگری فکر نکرده‌اید؛ چون هرکاری غیر از این برای شما بی‌معناست به شما تبریک می‌گویم. شما از معدود زنان خوشبخت قرن بیست و یکم هستید که چشمشان را به روی مدرنیته گردو خاک به پا کن هوچی گریسته‌اند و هنوز نقشه فطرتشان را دنبال می‌کنند (دانشگر، ۱۴۰۰، صص ۱۵۵-۱۵۴).

و به راستی انتخاب گزینه خانه‌داری در قرن بیست و یکم، جای تبریک گفتن هم دارد. البته ناگفته نماند که تمام این سخنان در مورد شرایط طبیعی زندگی است و اگر زنی سرپرست نداشته باشد و به عبارتی، خود سرپرست خانوار باشد، مطمئناً شرایط متفاوت خواهد بود و خداوند با چنین زنی به خاطر به دوش کشیدن وظایفی مضاعف، محاسبه دیگری خواهد کرد.

نتیجه‌گیری

در مقاله خانه‌داری ارزش فراموش شده، سعی کردیم به دلایل مرجح بودن انتخاب خانه‌داری مانند فطری بودن، ارزش معنوی و نقش خانه‌داری در تثبیت موقعیت‌های مادری و همسری در خانواده بپردازیم. سپس راهکارهای احیای خانه‌داری را بررسی و سرانجام، نگاهی به تجربه‌های زیسته برخی زنان ایرانی انداختیم که فرضیه ابتدایی ما؛ یعنی فضیلت و برتری خانه‌داری را تأیید می‌کردند. در هر بخش از سخنان رهبر فرزانه انقلاب به فراخور بحث مدد گرفتیم. البته مدعای بیان کامل و جامع سخنان ایشان پیرامون زن را نداریم،

بلکه تنها به تناسب عنوان که مبحث خانه‌داری است، به برخی بیانات ایشان پرداختیم.

البته این قلم هرگز مخالف فعالیت علمی زنان و پرداختن زنان به مشاغل اختصاصی بانوان که جامعه به آن نیاز دارد، نیستیم؛ چرا که معتقدیم علم‌آموزی در دین اسلام بر هر زن و مرد مسلمان واجب است. از سوی دیگر، در بزنگاه‌های تاریخی و اجتماعی، زنانی چون فاطمه زهرا علیها السلام و زینب کبری علیها السلام حضوری فعال داشته‌اند. البته در این مقاله نه قصد سخن گفتن از استثنائات داشتیم و نه بیان تکرار مکررات در باب حقوق زنان. هدف اصلی این مقال، پرداختن به یک ارزش فراموش شده؛ یعنی خانه‌داری بود؛ زیرا به نظر می‌رسد. امروزه آن‌چنان که به حق اشتغال و تحصیل زنان پرداخته شده، به جایگاه خانه‌داری، برتری و اولویت آن و نیز محاسن خانه‌داری پرداخته نشده تا زنان و دختران جامعه ما آن‌چنان که با قطعیت به دنبال گزینه‌های انتخاب رشته و دانشگاه حرکت می‌کنند، با عزمی جزم‌تر به سمت ازدواج و خانه‌داری، که مبتنی بر فطرت و متناسب با خلقت آنان است، گام بردارند.

منابع

۱. احمدپور، مریم، «زنان، ازدواج، خانه‌داری و تربیت فرزندان در اندیشه اسلامی»، دوفصلنامه علمی و تخصصی اسلام و علوم اجتماعی، شماره ۶، ۱۳۹۰
۲. دانشگر، بهزاد، معجزه بن سای: روایت‌هایی از زنان زیرسقف خانه‌ها، اصفهان، حدیث راه عشق، ۱۴۰۰
۳. سیاح، مونس و اکرم حسینی مجرد، «بررسی بحران مادری در جهان غرب و تأثیرات آن بر جامعه ایرانی»، فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده، شماره ۵۳، ۱۳۹۰
۴. شریفی، عنایت الله و مهرعلی لطفی، «سبک زندگی خانوادگی در قرآن و سنت پیشوایان معصوم (ع)»، پژوهشنامه معارف قرآنی، شماره ۱۴، ۱۳۹۲
۵. عباسی ولدی، محسن، دختران آسمانی و سفیران مهربانی: راهکارهای آماده کردن دختران برای ایفای نقش همسری و مادری، قم: آیین فطرت، ۱۴۰۱
۶. _____، دختران و همسران و شغل ناب مادری: جایگاه همسری و مادری در تربیت فرزندان، قم: آیین فطرت، ۱۴۰۱
۷. علاسوند، فریبا، خانه‌های اعیانی، اصفهان: مهرستان، چاپ سوم، ۱۳۹۹
۸. _____، زن در اسلام، قم: مرکز نشر هاجر، چاپ پنجم، ۱۳۹۷
۹. قرباباغی، جواد و علی ملکوتی نیا، «ارزشمندی شغل خانه‌داری زنان از منظر آموزه‌های اسلامی»، مجله مبلغان، شماره ۲۲۹، ۱۳۹۷
۱۰. کریمی، نسیم و حمیده میرزادارائی، چند لقمه حرف حلال برای خانواده، اصفهان: حدیث راه عشق، چاپ دوم، ۱۳۹۷
۱۱. گاردنر، ویلیام، جنگ علیه خانواده، ترجمه معصومه محمدی، قم: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، چاپ چهارم، ۱۳۹۶

۱۲. گرانت، تونی، زن بودن، ترجمه فروزان گنجی زاده، تهران: نشر ورجاوند، چاپ ششم، ۱۳۹۷
۱۳. گیلدر، جرج و دیگران، چه کسی گهواره را تکان خواهد داد؟، ترجمه سمانه مدنی، آزاده وجدانی، قم: دفتر نشر معارف، چاپ سوم، ۱۳۹۲
۱۴. مک آلپین، فیلیس؛ شلافلی، استورات؛ ونکر، سوزان؛ آن روی فمینیسم، ترجمه: نجمیه غلامعلی الله یاری، قم: دفتر نشر معارف، بی تا

15. www.afghanpaper.com
16. www.farsi.khamenei.ir
17. www.hawzah.net
18. www.nooremojarrad.com

